( 20 )

هو الله

ای امآء جمال ابهی کنیزان آن یار مهربان عزیزانند و الیوم زبان پاکان در بارگاه قدس بستایش کنیزان جمال مبارک ناطق حتی پرده نشینان حجاب عزت حسرت و غبطه میبرند و طوبی لهن و بشری لهن بر زبان میرانند از وجد و سرور چون طیور شکور در حدائق قدس بثنای رب غفور زبان بگشائید و بگوئید و بسرائید پاک یزدانا خداوند مهربانا شکر ترا که این امآء را عزیز نمودی و این ناچیزانرا تاج موهبت بر سر نهادی در بخشایش گشودی و رخ بنمودی و دلها بربودی ای رب ودود ستایش نتوانیم و از عهده نیایش برنیائیم عاجزیم و ناچیز قاصریم و بی‌تمیز ولی روی تو جوئیم سوی تو پوئیم ثنای تو گوئیم اسیر زنجیر محبتیم و دستگیر امیر کشور موهبت شکر ترا که شهد و شکر بکامها ریختی و این کنیزانرا کامیاب نمودی الحمد لک و الشکر لک و الفضل لک و الموهبة منک انک انت المقتدر العطوف الرؤوف (ع ع)